

ترجمه آلمانی حافظ مقدمه

در همان سال که شاعر بزرگ آلمانی کوته دیوان شرقی غربی خود را تصنیف نمود و شرق شناس نامور اطریش هامبورگستال تاریخ ادبیات ایران را نشر کرد، یعنی در سال ۱۸۱۸، یک شاعر جوان و گشاده زبان آلمانی به شهر وین آمد و به تحصیل در زبانهای شرقی پرداخت. نام این جوان که پس از هفته های معدود با عربی و فارسی و مختصری ترکی آشنایی پیدا کرد فردریش روکرت بود.

روکرت، در سال ۱۷۸۸ در شهر شفاینفورت متولد شد و به تحصیل زبانهای باستانی پرداخت. سپس در جنگهای آزادی آلمان (۱۸۱۳) شرکت جست و پیش از عزیمت به وین با اشعار وطن پرستانه و مؤثر خود شهرت یافت. این شاعر زبانشناس، پس از عودت از دانشگاه وین به وطن خویش در شهری کوچک در ولایت بافارای شمالی انزوا گزید و از آن زمان تا زمانی که زندگی را بدوود گفت بلاانقطاع به ترجمه آثار ادبی از متجاوز از چهل زبان علی الخصوص فارسی و عربی و زبانهای هندوستان اشتغال داشت.

روکرت در سال ۱۸۲۶ به سمت استاد زبانهای شرقی در دانشکده «ارلانگن» برگزیده شد. پس از آن از سال ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۸ در دانشگاه برلین تدریس عربی و فارسی را به عهده داشت. در این ایام مشاغل علمی از یک سو و شاعری از سوی دیگر، همه وقت او را مصروف می داشت. از نسخه های خطی هرچه او را خوش می آمد رونویس می کرد و اشعاری را که می پسندید، در جامه شعر دلکش آلمانی دوباره عرضه می کرد؛ تا آنکه در ۳۱ سپتامبر ۱۸۶۶ روح وی از قفس تن پرواز کرد و به جهان ابدی رفت.

روکرت، با به کار بردن قریحه شاعری و استعداد علمی خود - موهبت دوگانه ای که ندرتاً به این کمال در یک تن جمع می شود - ترجمه های منظوم و فسانا پذیر و درخور تحسینی در زبان آلمانی به وجود آورد. در این ترجمه ها نه تنها معنی متون اصلی را دقیقاً رعایت کرده بلکه حتی المقدور رعایت دقیق شکل اشعار و خصوصیات دیگر آنها را نیز نصب العین خود قرار داده است.

در میان ترجمه‌هایی که این شاعر دانشمند از زبان عربی کرده است، به ذکر اشعار «کتاب الحماسه»، «معلقات» و «دیوان امرالقیس» اکتفا می‌کنیم که ترجمه منظوم آنها همه با قافیه و مطابق بحر اصلی انجام گرفته. ترجمه «روکرت از مقامات حریری» را که با رعایت سجع و وزن و هنرهای بدیعی دیگر به عمل آمده، شاید بتوان زیباتر و نغزتر از اصل عربی شمرد.

در مورد ترجمه‌هایی که این شاعر استاد، از زبانهای هندوستان به عمل آورده نیز، باید گفت که ترجمه‌های منظومی خوبتر و کامل‌العیارتر از آنها نمی‌توان تصور کرد.

اما با وجود این تراجم منظوم، که متجاوز از صد هزار بیت است، شهرت اصلی روکرت نتیجه ترجمه‌هایی است که از زبان فارسی به زبان مادری خود به عمل آورده.

روکرت در سال ۱۸۲۰ مجموعه دلاویزی از غزلهای بنام مولانا جلال‌الدین رومی مشتمل بر چهل و چهار غزل را نشر کرد. گرچه این رساله را نمی‌توان ترجمه‌ای عمیق شمرد - زیرا قسمتی از آنها مستند به ترجمه‌های هامر پورگستال است - ولی روحیه آن عارف بزرگ و نغمه عشق ازلی او را به کمال وضوح برای خوانندگان غربی آشکار می‌سازد. هم در این اشعار دلکش بود که شاعر دانشمند، نخستین بار قالب «غزل» را در زبان آلمانی به کار برد. سپس آن را در آثار دیگر خود تکرار نمود تا آنجا که این قالب از شیوه‌های معروف و مقبول در ادبیات آلمانی گردید.

دوسال بعد روکرت، شاعر دانشمندی که عشق نامتناهی مولوی را در شعر آلمانی نشانده و به هموطنان خود هدیه کرده بود، گلدسته دیگری به نام «گل‌های شرقی» نشر کرد که از دیوان حافظ شیرازی ملهم بود و ظرافت و لطافت گفتار و افکار وی را کاملاً منعکس می‌نمود. حافظ، برای روکرت «مصحف دیرینه» ای بود که روکرت از خواندن اشعار او هیچ سیر نمی‌شد. چندین سال بعد از نشر مجموعه مزبور، شاعر دانشمند آلمانی باز تقریباً هشتاد غزل و سی رباعی از دیوان شاعر شیرازی را که گوته فریفته او بود، به نظم ترجمه کرد و این ترجمه مکملترین و معتبرترین ترجمه اشعار حافظ در زبان آلمانی است. هرچند این ترجمه نفیس فقط بعد از وفات مترجم و به دست یکی از شاگردان آن شاعر زبردست در رساله‌ای که اکنون نایاب است به طبع رسید.

شک نیست که شاهنامه فردوسی که متن فارسی آن در پدایت قرن نوزدهم چاپ شده بود، بی اندازه مطبوع طبع و کورت واقع شد و سالهای سال روکرت به مطالعه آن مشغول بود. در سال ۱۸۳۸ داستان مشهور «کشتن رستم سهراب را» به صورت یک قصه منظوم حزین و دلنشین به زبان آلمانی انشاء کرد.

پس از آن کتاب معظم فردوسی را از آغاز تا انجام به نظم فصیح آلمانی ترجمه نمود و حواشی مفید نیز بر این اثر حیرت‌آور علاوه کرد.

در عین آنکه به ترجمه فردوسی سرگرم بود اشعار شیخ سعدی شیرازی توجه این شاعر کوشا را به خود جلب کرد و ترجمه‌های منظوم از غزلیات متفرق و قصاید گزیده سعدی که هم از دیوان و هم از «صاحبنامه» انتخاب کرده بود و اشعار گلستان را به نظم آلمانی درآورد. روکرت به اشعار اخلاقی تمایل داشت و بدین سبب آثار سعدی شدیداً مورد پسند وی واقع شد. لیکن همه این تراجم آبدار که این شاعر هنرمند از ادبیات فارسی فراهم کرد، در مدت حیات وی به طبع نرسید. زیرا فقط نفس ترجمه کردن و شعرگفتن و تحقیق علمی بود که روکرت را خشنود می‌کرد، وگرنه به مخابرات ناشرین برای نشر آثارش رغبت چندانی نشان نمی‌داد. با روانی طبع و سهولتی که در شعر گفتن داشت گاهی آثار قدیم خود را فراموش می‌کرد و نسبت به ثمرات مقالات خود اهمال می‌ورزید. این رویه موجب شد که آن ترجمه‌های بی نظیر بعد از وفات شاعر به طبع رسید و هنوز نیز بسا نسخه‌های خطی در متروکات او می‌توان یافت که برای نشر در انتظار اقدام عالمی زبان‌شناس است.

اما قسمتی از ترجمه 'غزلیات و قطعه‌های مولانا جامی' را که از مخطوطات محفوظ در کتابخانه 'گوتا' استنساخ کرده بود و از تراجم زیبا و دل‌انگیز او به شمار می‌رود در سالهای ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۲ در مجلات شرق شناسی آلمانی نشر کرد. گذشته از اینها در آثار پراکنده 'روکرت و همچنین در اوراقی که از وی به جا مانده است تراجم بسیار شاعرانه‌ای از اشعار حماسی نظامی یافت می‌شود.

این دانشمند خستگی‌ناپذیر از ترجمه 'اشعار محلی تیز، مثل دوبیتی‌های کیلان و ترانه‌های مازندران، غفلت ننموده است. یکی از مهمترین و مفصلترین کتابهای روکرت، ترجمه و شرح باب هفتم کتاب «هفت قلزم» است که رساله‌ای فارسی در علم عروض و معانی و بیان است که در هندوستان نوشته شده، و در آن معرفت روکرت به دقیقترین مسائل علم بدیع و فنون نظم نمایان می‌شود.

روکرت، آن کوکب پرنور آسمان شرق شناسی و آن در فرید عقد شاعران آلمانی با ترجمه‌های خود، گزیده‌ترین آثار شعر فارسی را در دسترس ملل آلمان قرار داده است. زیبایی این ترجمه‌ها با وجود کمال دقت در حفظ معنی و رعایت صورت شعر اصلی برآستی محیرالعقول است، و باید گفت تاکنون هیچ شاعری و هیچ عالمی در زیر این گنبد فیروزه‌گون، به ایجاد نظیر آنها توفیق نیافته است.

حال اگر سؤال شود که مقصود دانشمند زبان‌شناس معتبری چون روکرت از این ترجمه‌های بی‌شمار چه بود می‌گوییم: مقصود او نمودن وحدت اصلی نوع بشر بود. زیرا در نظر او «شعر زبانهای گوناگون دنیا به گوش مردم عارف، زبانی واحد است. زبانی ازلی که در ازل در فردوس خوانده اند، نغمه‌ای ابدی که در آن احساسات جاوید مردمان را سروده اند. شناختن شعر یک ملت شناختن روح آن ملت است. تنها وسیله مؤنوق برای ایجاد دوستی و تفاهم میان ملتها و اقوام عالم، کلام شاعران است. بدین سبب بود که روکرت، آن دانشمند عالی‌قدر و شاعر توانا، طبع بلند و علم وسیع خود را برای خدمت به شعر عالم وقف کرد؛ و به طوری که خود تأکید کرده است در هر بیت فارسی یا عربی که از آن شعر نویی،

در زبان آلمانی به وجود می‌آورد قدم کوچکی در تحکیم تفاهم میان اقوام و ملتها می‌دید.

اکنون که یکصد سال از وفات آن شاعر بلند پایه می‌گذرد، شایسته است که پیام او را از نو بشنویم تا دوستان ما در مشرق زمین، عظمت خدمت روکرت را در شناساندن فرهنگ شرق در اروپا بشناسند و تا ملل آلمانی زبان از برکت ترجمه‌های او عظمت فرهنگ اسلامی و جمال شعر فارسی را دریابند ■

پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی